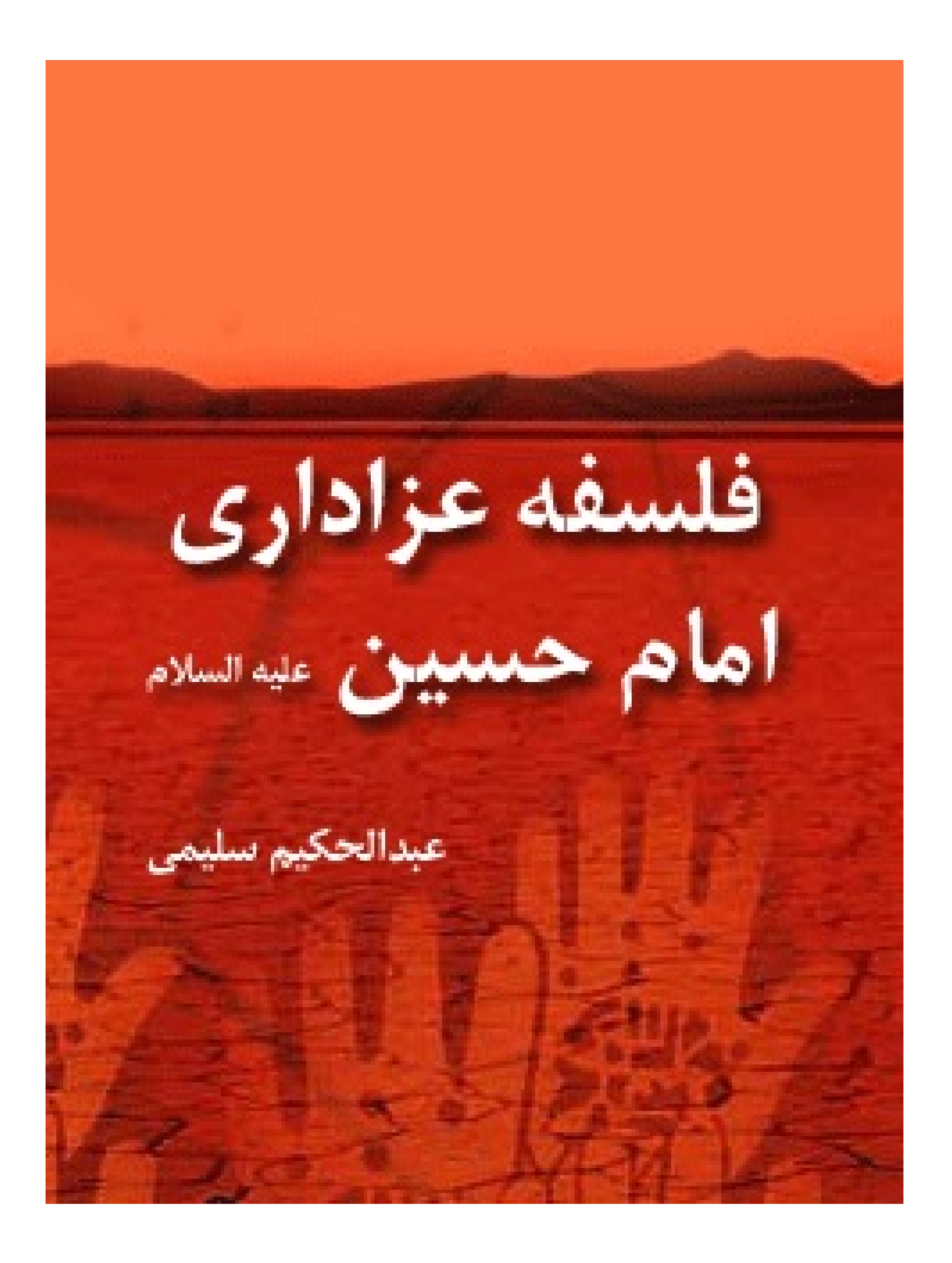

فلسفه عزاداری
امام حسین علیه السلام
عبدالحکیم سلیمی


بسم الله الرحمن الرحیم

فلسفه عزاداری امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

عبدالحکیم سلیمی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فلسفه عزاداری امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده : عبدالحکیم سلیمی

ناشر : عبدالحکیم سلیمی

مقدمه

مبارزه عامل عزت و اقتدار است.تنبلی و تن پروری به ذلت و زبونی می انجامد. ازنوع مبارزات مقدس ترین آن، مبارزه برای اعلای کلمه حق ونابودی باطل است. چنین مبارزه مکتبی نیازمند منبع فیاضی است تا بتواند با سرمشق گرفتن از آن روند تکاملی اش را به خوبی طی کند. قیام عاشورا الگوی حسنه ای است که همواره الهام بخش حق خواهان بوده و آنان را در حرکت مبارزاتی شان در برابر کفر و ظلم و نفاق رهبری می کند. قیامی که صورت فرا زمانی وفرا مکانی پیدا کرده، همه ساله در ایام محرم در اذهان و اعماق روح حسینیان و آزادگان جهان تجلی می یابد.با توجه به عظمت این قیام الهی و نقش مراسم عزاداری در بازسازی آن، بدخواهان تلاش می کنند با ایجاد بدعت ها و القای شبهات از قداست و اسوه بودن آن بکاهند. چرا باید برای حادثه ای که قرن ها از وقوع آن گذشته، عزاداری کنیم؛ سیاه پوش کردن کوچه و بازار و محافل و بر سر و سینه زدن تاکی؟تکرار این گونه مراسم چه نفعی به حال اجتماع دارد؟ آیا نمی شود یاد حادثه عاشورا را با شیوه های نو همانند برگزاری همایش و کنفرانس مطبوعاتی و... گرامی داشت؟ اصولاً فلسفه عزاداری سیدالشهدا چیست؟ این پرسش ها ممکن است در نزد بیشتر کسانی که با حقیقت عزاداری آشنا نیستند مطرح باشد.هر چند عاشورا خورشیدی است که در آفاق ارزش های انسانی تابیده؛ هنوز قیام امام حسین و عزاداری آن چنان که باید شناخته نیست. مهم ترین رسالت خواص تبیین حقیقت عاشورا و فلسفه عزاداری آن است.امام صادق(ع) فرمود: «در هر برهه ای از زمان انسان های عادل بار مسئولیت این دین را بر دوش می کشند، تأویل اهل

باطل و تحریف افراط گرایان نادان راaز آن دفع می کنند»در این نوشتار، نقش عزاداری در بازسازی قیام عاشورا و آثار آن در زمینه های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

نقش عزاداری در بازسازی قیام عاشورا و آثار آن در زمینه های گوناگون

افزایش ایمان و معنویت

عبادت در مکتب عاشورا سر لوحه آموزه های دینی و معنویت روح جامعه اسلامی است.عزت مسلمانان در گرو ایمان و معنویت آنان است. امام حسین(ع) در کربلا آمد تا اعلام کند، مهم ترین خطری که جامعه اسلامی را تهدید می کند کم رنگ شدن ایمان و معنویت و جابه جایی ارزش هاست. عاشورا پیامد «قداست زدایی» و «حریم شکنی»است. مسلمانان می دانند یزیدیان امام حسین را خارجی خواندند تا یزید را امام مسلمانان معرفی کنند. احکام خدا را منزوی کردند تا اهداف شوم خود را پیاده کنند. این همان شبیخون فرهنگی است که به صورت جریان مستمر در فعالیت بوده و هست. امروزنیز ادعا دارند تقدس خلاف علم و عقل است، عقل و علم را آن می دانند که خودشان دارندتا عبادت و معنویت را به قربانگاه ببرند. عزاداری را زیر سؤال می برند تا پرتو عظمت قیام حسینی را از مسلمانان بگیرند، غافل از آن که عاشورا تجلی عبادت، توحید، معنویت،عزت، عدالت، ایثار و تبلور ایمان و ارزش هاست. عزاداری بزرگداشت عاشوراست.در فرهنگ شیعه برپایی مراسم سوگواری پیشوایان دین و به ویژه امام حسین و یارانش عبادت است.نماز گلواژه شب عاشورا و سبب افزایش ایمان و معنویت آثار فردای آن است. عزاداری باعث شکوفایی معنویت است،چرا که عزادار امام حسین هم نشین با حضرت است. عزاداری راه کربلاست، کربلا کعبه عاشقان و شیفتگان است.عزادار باشرکت در این مراسم با امامت اتصال پیدا می کند، این پیوند انسان ها را حسینی می کند،کسی که با او بیعت کند از صف

یزیـدیان جـدا می شود، این کـار خود عبـادت است، چنـان که نمـاز ارتبـاط بـا خـدا و بریـدن از غیر خـداست.امام صـادق(ع) فرمود:نفس المهموم لحزننا اهل البیت تسبیـح... یجب أن تکتب هـذا الحـدیث بماءِ الذهب؛ «سوگواران بر مظلومیت ما خاندان نفس کشـیدن شان عبادت است... شایسـته است این حدیث با آب طلا نوشـته شود.» اشکی که برای امام حسین می ریزیم اگر در جهت همـاهنگی روح مـا باشـد، پرواز کـوچکی است که روح مـا بـا روح حسـینی می کنـد.اگر ذرّه ای از همت و غیرت، حرّیت و ایمـان، تقوا و عبـادت حسـینی در انسـان بتابـد و اشـکی از دیـدگانش جـاری شود، آن اشک بی نهایت ارزش دارد. اشکی که برای عظمت حسین باشد، اشکی که نشانه ای از هماهنگی با اهداف امام حسین باشد عامل نجات است و در مواقف حساس چون هنگامه مرگ و فشار قبر، برزخ و قیامت و در موقع حسابرسی دست انسان را می گیرد. عاشورا دست نوازش حق است بر جوینـدگان آن؛ عزاداری واسـطه فیض الهی و عامـل کمـال انسـانی است. عزاداری تبلور عـاشورا و یادآورخاطره های ماندگار کربلاست، خاطره هایی که در اعماق قلب خونسردترین افراد جوش و خروش ایجاد می کند، و احساسات را تحریک می سـازد. عزاداری یـاد خـداست، بزرگـداشت عـاشورا انسـان را بـه سـوی خـدا پرواز می دهـد. از منظر قرآن کریـم، مراسـم سوگواری از شعائر الهی است،تعظیم آن نشانه تقواست. (و من یعظّم شعائر الله فأنّها من تقوی القلوب) و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای دل هاست. شـرط ورود در صف عزاداران حسـینی آمادگی قلبی است، دلی که تقوا دارد در این مصیبت عزادار می شود، از طرف دیگر عزاداری باعث افزایش تقواست، چرا که برپایی

این مراسم، نشانه ایمان و عمل صالح است. (کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند، خداوند مهربان آنان را محبوب قرار می دهد).بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقارش جامعه ای که عاشورا دارد عزت دارد، چرا که ایمان و معنویت دارد.در چنین جامعه ای دشمنان نمی توانند توطئه کنند. شیاطین می توانند انسان ها را گمراه کنند، اما مخلصان را هرگز. می توان گفت عزاداری واقعی بیمه ایمان و معنویت است.

اقتدا به پیشوایان دین

عزاداری وسوگواری بر کسان از دست رفته امری طبیعی است. انسان با عاطفه زنده است، گاه احساسات جریحه دار می شود و دل می سوزد، آثار آن به صورت اشک تبلور می یابد. پیشوایان دین نیز در مصائب عزیزانشان سوگوار شدند، مراسم عزاداری به پاکردند. در فرهنگ ما عزاداری انبیا و اولیای الهی پسندیده است چنان که عزاداری در مصیبت عزیز از دست رفته بشرطی مشکل ندارد که مخالف دستورات شریعت نباشد.رفتار و کردار پیامبر اسلام (ص) در همه زمینه ها الگوی ماست. حضرت در شهادت حمزه سیدالشهدا با تعبیر تحریک آمیزی می فرماید: «لکن حمزه لا بواکی له؛اما حمزه گریه کننده ای ندارد». مسلمانان با شنیدن این سخن برای حمزه مراسم عزاداری به پاکردند. ایشان در شهادت جعفر بن ابی طالب فرمود:«علی مثله فلتبک البواکی» «گریه کنندگان باید برای امثال جعفر گریه کنند». در سوگ خدیجه ام المؤمنین و ابوطالب عموی گرامی اش یک سال را در غم و اندوه گذراند (عام الحزن).گریه های حضرت فاطمه ۳ در بیت الاحزان یادگار تاریخ اسلام است. امام علی (ع) درباره شهادت مالک اشتر همان تعبیری را به کار برد که پیامبر اسلام درباره جعفر فرمود.ایشان پس از توصیف آن فرمانده دلاور اسلام می فرماید: «علی مثل

مالک فلتبک البواکی؛ گریه کنندگان باید بر امثال مالک گریه کنند».حادثه عاشورا یک اتفاق عادی و زودگذر نبوده، بلکه طراحی الهی است. حادثه ای نیست که فقط ما بر آن گریه و عزاداری کنیم، زمین و آسمان و رسول الله و بسیاری از انبیای الهی پیش از وقوع حادثه عزادار شدند و گریستند. به دور از انصاف است درحادثه ای که انبیا و اولیای الهی گریه کردند و اشک ریختند عده ای در سوگواری برآن امام همام دچار شک و تردید شوند.پیشوایان دین از زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) توصیه کرده اند که مصیبت امام حسین (ع) باید زنده بماند و همه ساله تجدید گردد. چرا ائمه دین به این حادثه اهتمام داشتند، چرا برپایی مراسم عزاداری امام حسین را این همه مورد تأکید قرار داده اند.فلسفه این مسئله کاملاً روشن است. هدف این بود که مکتب عاشورا زنده بماند.زنده ماندن عاشورا تجلی حیات مجدد اسلام است. خدا می داند اگر نبود این گریه ها و عزاداری ها چه مصیبت هایی بر اسلام وارد می آورند.امویان پس از شهادت امام حسین (ع) تلاش کردند تا خودشان را بر حق، امام حسین و یارانش را مهاجم و طغیانگر معرفی کنند، حتی احادیثی جعل کردند مبنی بر این که عاشورا روز عید و برکت است وتوسط علمای درباری فتوای جشن و شادمانی صادر کردند. طبیعی است وقتی روز عاشورااز زبان شخص رسول الله (ص) به عنوان روز عید معرفی شود، با گذشت یکی دو نسل،مسلمانان بر اثر غفلت و تقلید از گذشتگان، این روز را جشن می گیرند و آن را از اعیاددینی به حساب می آورند.کم ترین اثر این تلاش ها آن بود که مردم باور کنند امام حسین (ع)

از دین بیگانه بوده است. امام حسین(ع) با آینده نگری، پدید آمدن چنین فضای آلوده و مسموم را به خوبی پیش بینی کرده بود؛ لذا در وصیتنامه سیاسی الهی اش پس از بیان عقیده خویش درباره توحید و نبوت و معاد بر این مسئله تاکید می کند:«و أنی لم اخرج اشراً و لابطرا و لا مفسدا و لا ظالماً انّما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدّی (ص) ارید أن آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدّی و ابی علی بن ابی طالب؛ من نه از روی خودخواهی یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خارج می گردم، بلکه هدف من امر به معروف و نهی از منکر است و خواسته ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امت و زنده کردن سنت پیامبر(ص) و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب است».پیشوایان دین بعد از شهادت امام حسین (ع) فعالیت وسیعی به راه انداختند وحکیمانه ترین چاره اندیشی ها را به کار بستند تا توطئه خطرناک دشمن را خنثی کنند.این رسالت با سنت روضه خوانی عزاداری و زیارت کربلا دنبال شد. وصیت امام محمد باقر (ع) به اقامه عزاداری در منی در ایام حج و سفارش امامان دین به رفتن زیارت امام حسین (ع) و از نظر پاداش آن را با حج برابر دانستن یا برتر فرض کردن آن بر حج،انشای زیارتنامه ها در ماندگاری و اسوه سازی قیام عاشورا نقش داشته اند.ابوهارون مکفوف می گوید: من روزی به محضر امام جعفر صادق (ع) شرفیاب شدم. حضرت به من فرمود: شعری در رثای حسین (ع) بخوانم. من شروع کردم به خواندن. امام فرمود: این طور نه، همان گونه که در

بین خود و در کنار قبر امام مرثیه سرایی می کنید بخوان، یعنی با سوز و گداز بخوان. من خواندم و امام گریست. در آخر حضرت مطالبی درباره ثواب و پاداش روضه خوانی و سوگواری فرمودند، از جمله این که هر کس در رثای حسین شعری بخواند و ده نفر را بگریاند بهشت جای اوست.در حدیثی از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: همانا روز شهادت امام حسین قلب ما را مجروح و اشک ما را روان ساخت، عزیز ما را در سرزمین «کرب و بلا» خوار کرد و تا قیامت برای ما اندوه و بلا بر جای گذاشت، پس باید گریه کنندگان بر انسان مظلومی چون حسین بگریند... فرمود «چون ماه محرّم فرا می رسید، دیگر پدرم خندان دیده نمی شد و از روز اول محرم تا دهم مرتب غم و اندوهش بیشتر می شد. روز عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه او بود و پیوسته می فرمود روزی است که حسین کشته شد...»حضرت فرمود: «گریه کنندگان بر امثال حسین باید گریه کنند و گفت پدرم از زمان حلول محرّم مرتب گریه می کرد تا روز دهم و این روز اوج مصیبت و غم و اندوه او بود، روزی که حسین(ع) کشته شد». امام زمان (عج) در سوگنامه مفصلی منسوب به حضرت در فرازی از آن می فرماید:«جد بزرگوارم، هر چند روزگار مرا از تو دور کرده و در کربلا نبودم که با دشمنانت نبرد کنم، اما هر صبح و شام در سوگ تو عزادارم و به جای اشک بر مصیبت تو خون می گریم».تمام این مقدمات، زمینه سازی برای جاودانه کردن حادثه کربلا و همراه ساختن شیعه با اهداف قیام عاشورا

بوده است. در زیارت عاشورا که بیانگر اهداف امام حسین و بهترین وسیله ارتباط امت به امام شان است به خوبی فلسفه سیاسی این قیام را می یابیم:«بأبی انت و امّی لقد عظم مصابی بک فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بکَ ان یرزقنی طلب ثارک مع امام ٍ منصور من اهل بیت محمّدٍ؛ «پدر و مادرم فدای تو باد، تحمل حزن و مصیبت تو بر من (و تمام شیعیان) به سبب ظلم و ستمی که بر شما رفت، دشوار است پس از خدایی که مقام تو را گرامی داشت، و مرا هم به سبب تو عزت بخشید درخواست می کنم که روزی من گرداند تا با امام منصور از اهل بیت محمد (ص) –امام عصر (عج) – خون خواه تو باشم».در این نگاه، نهضت حسینی به صورت یک ثار دایم مطرح است ثاری که یک شیعه باید در هر زمان و در هر مکان در گرفتن آن اهتمام ورزد یعنی در مبارزه پیگیر حق و باطل، قیام عاشورا یک قیام اسوه است و چنان تصویر شده که گویی همه اهل باطل دراین خون ریزی نقش داشته اند و باید از آنان انتقام گرفت. پس عزاداری تبعیت از سیره پیشوایان دین است. شیعیان امام حسین و هر کسی که برای انسان شرافتی و عظمتی قایلند همه ساله قیام عاشورا و شهادت سالار شهیدان را با برپایی عزاداری گرامی، و خلوص خویش را با گریه و سوگواری بر مصیبت جانگداز کربلائیان ابراز می دارند.امام صادق (ع) این مجالس را دوست می دارد، فرمود: «انّ تلک المجالس احبّها فاحیوا امرنا فرحم الله من احیا امرنا؛ من این مجالس را دوست می دارم، پس امر ما رازنده

نگه دارید، خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده می کند». اگر امام (ع) این مجالس را دوست می دارد شرکت کنندگان در آن را نیز مورد محبت قرار می دهد. محبت امام صادق (ع) اکسیر زندگانی است.

احیای شخصیت و اهداف امام

امام حسین(ع) در نزد آگاهان از آرمان های والای او، نمادِ هدایت و الگوی انسانیت و سرلوحه شریعت رمز و قهرمانی و اسوه ایثار و فداکاری در راه دین است، چنان که کلمه «یزید» مظهر فساد و تباهی و فسق و فجور و تهاجم فرهنگی و نشر بدی هاست.عزاداری و روضه خوانی، باز سازی خاطره فداکاری و جانبازی امام حسین و یارانش در راه پاسداری از حق و عدالت است. عزاداری باعث زنده کردن اهداف امام حسین (ع) است. چرا که «من ورّخ مومناً فقد احیاه؛ بازگو نمودن تاریخ زندگانی مؤمنی درحقیقت زنده کردن اوست» و زندگی مؤمن در گرو زنده ماندن اهداف والای اوست.کسی که فردی را زنده کند گویا همه مردم را زنده کرده است.یاد حسین و اهداف والای او، ملت ها را زنده می کند، ترویج اندیشه حسینی توسعه حیات و زندگانی است. این نام و این قیام همیشه فریادی پر طنین در برابر هر ستمگری است. توسل به عاشورا طریق هدایت و عامل نجات است. اسلام بیمه عاشورا است،عاشورا بیمه عزاداری ها. امام باقر(ع) وصیت می کند در «مِنی» مراسم عزاداری به پاکنند، که چرا. سفارش حضرت، مشتمل بر نکته مهم سیاسی – روانی است. مردم را به مظلومیت اهل بیت متوجه می کند. توجه مردم به این امر مهم، زمینه احیای اهداف امام (ع) است. این عزاداری هاست که افکار حسینی را در اعماق جان و اندیشه مردم نفوذ می دهد،

عواطف و احساسات را به شور می آورد، و حرکت می آفریند. «روضه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهداست. آن کسانی که می گویند روضه سیدالشهدا را نخوانید،اصلا نمی فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی دانند یعنی چه. این گریه ها و این روضه ها این مکتب را حفظ کرده است... اینها خیال می کنند حالا ما باید (به جای روضه) حرف روز بزنیم. حرف سیدالشهدا همیشه حرف روز است، اصلاً حرف روز را سیدالشهدا آورده، دست ما داده... این مجالس و عزاداری اباعبدالله الحسین یک متینگ و فریادی است برای احیای مکتب سیدالشهدا...».تاریخ بعد از عاشورا را مطالعه کنید. متوکل عباسی و دیگر زمامداران آن روز چه تعداد از شیعیان امام حسین(ع) را به جرم بر پا نمودن مواکب و عزاداری و زیارت مرقد مطهر آن حضرت به صورت فجیع و ظالمانه ای به شهادت رساندند. دیده بان هایی را درمسیر کربلا قرار داده بودند تا زواران امام را دستگیر و به قتل برسانند، چرا این گونه عمل می کردند. این کارها دلیلی نداشت جز این که آنها از احیای مکتب امام حسین احساس خطر می کردند.در برابر حرکت ویرانگر دشمنان اسلام، پیشوایان دین بر عزاداری و روضه خوانی و زنده نگه داشتن عاشورا اهتمام ورزیدند. فلسفه آن روشن است. حسین یک سمبل است باید به صورت الگو زنده بماند. هر سال که محرم طلوع می کند، امام حسین(ع) با آن افکار والا و فریادهای شورانگیزش ظهور می کند و ندا در می دهد:«الا ترون أن الحق لا ـ یعمل به و أن الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاءِ الله محقاً» آگاه باشید، ای مردم نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد و نتیجه

آن این است که مؤمن به شهادت در راه حق تشویق شود و با تمام وجودش به امام حسین اقتدا کند: لااری الموت الا سعاده و الحیاه مع الظالمین الا برما؛ «زندگی [در چنین وضعی] باستمکاران برای من ننگ آور است، مرگ در نظر من جز سعادت چیزی نیست».عزادارن بر بلندای محافل شان این شعار را نوشته اند:«الموت خیر من رکوب العار؛ مرگ از زندگی ذلت بار بهتر است».آنچه در مراسم عزاداری بازخوانی می شود، شعارهای زندگانی است. سوگواری تداوم راه و اهداف عاشورا است. در فرهنگ شیعه، عالم همان گونه که محضر خداست تجلی اندیشه عاشورا و عزت عاشورائیان نیز هست. همه محراب و منبرها از امام حسین (ع) است. پس اگر از ما بپرسند چرا در روز عاشورا عزاداری می کنید،حسین حسین می گویید و بر سر و سینه می زنید درپاسخ می گوییم می خواهیم با امام خود تجدید بیعت کنیم، فریاد او را که در جهان طنین انداز است بشنویم، ما هر سال می خواهیم تجدید حیات بکنیم.روز عاشورا روز تجدید حیات ماست. عاشورا روح اسلام است می خواهیم آن را از نو به جامعه تزریق کنیم، عاشورا تجلی احساس جهاد و شهادت و فداکاری در راه حق و امر به معروف و نهی از منکر است، می خواهیم با عزاداری این احساس را در خود زنده نگه داریم. عزاداری لبیک به امام حسین(ع) است و این سفارش قرآن کریم است که (یا ایهاالّذین آمنوا استجیبوا لله و للرّسول اذا دعاکم لما یحییکم) ای کسانی که ایمان آورده اید دعوت خدا و پیغمبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد». عاشورا زنده نگه داشتن روحیه فداکاری در اجتماع

است. شعار عاشورا،شعار احیای اسلام است گویا ندای امام حسین بلند است: چرا بیت المال مسلمانان حیف و میل می شود، چرا حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام می کنند، چرا در برابرتوهین کنندگان به مقدسات سکوت می کنید، چرا فقر و تبعیض در جامعه اسلامی رو به افزایش است، عاشورا و عزاداری از یک سو زنده نگه داشتن روحیه امر به معروف و نهی از منکر و از سوی دیگر پاسخ به این چراهاست.به عقیده امام راحل (ره) این یک دستور است به این که هر روز و در هر جا باید همان نهضت و همان برنامه را ادامه بدهید. امام حسین(ع) با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد و مقابل یک امپراطوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت... و این مجالس به دنبال همین است که این «نه» محفوظ بماند. کسانی که می گویند روضه نخوانید نمی دانند که گریه کردن بر عزای حسین زنده نگه داشتن نهضت است. آنهایی که به شماملت بیهودگی گریه را می قبولانند. بزرگ هایشان و اربابانشان از این گریه ها می ترسند.در جای دیگر تأکید می کنند که «... آن روضه های سنّتی و آن مصیبت ها را زنده نگه داریدکه برکاتی که به ما می رسد از آنهاست، این برکات از کربلاست. کربلا و نام مبارک سیدالشهدا را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می شود».با این تبیین روشن می شود که عاشورا نه پایان است و نه آغاز، واقعه ای است محصول علت های تاریخی خود و حادثه ای است مشحون از عبرت برای بعد از آن.

نجات اسلام

عاشورا کامل کننده رسالت است. آن گاه که رسول خدا (ص) ندای توحید سر داد و به اذن ِالهی

مردم را به اسلام دعوت کرد، صورت آن در تاریخ اسلام شکل گرفت و در کربلاکامل شد. تعبیر پیامبر اکرم (ص) «حسین از من و من از حسـینم» تجلّی نقش قیام حسینی در این زمینه است. امام حسین با قیام الهی اش اسلام را از انحصار توطئه های بنی امیه نجـات داد. برای پی بردن به عظمت این قیـام کافی است به خطراتی که در آن زمان اسـلام را تهدیـد می کرد توجه شود. سرنوشت امت اسـلام به گونه ای رقم خورد که یزیـد فرمانـدار جهان اسـلام شـد، یزیدی که فسق و فجورش شـهره جهان بود. امام حسـین در پاسخ به مروان بن حکم والی مدینه که او را به بیعت با یزید فرا می خواند فرمود«سـمعت جدّی رسول الله(ص) یقول: الخلافه محرمه علی آل ابی سفیان فاذا رأیتم معاویه علی منبری فابقروا بطنه و لقد راه اهل المدینه علی منبر رسول الله فلم یفعلوا به ما امروا فابتلا هم بابنه یزید؛ شـنیدم از جدم رسول خدا که فرمود خلافت بر خانواده ابوسفیان حرام است و اگر روزی معاویه را بر بالای منبر من دیدید او را بکشید، ولی مردم مدینه او را در منبر رسول دیدند و نکشتند و اینک خداوند آنان را به فرزنـدش یزیـد فاسق مبتلا کرده است». یزید کسـی بود که علناً تمامی مقدسات را هتک کرد.به نمونه ای از گفتار کفرآمیز او توجه کنیـد:«محمـد بـا ملـک و حکومت بازی کرد، نه وحی بر او نازل شـده بود، نه از آسـمان خبری داشت، من از قبیله خود نیستم اگر از فرزندان احمد انتقام نگیرم... اگر پدران من می دیدند آنچه که من با فرزندان احمد در کربلا انجام دادم هر آینه

از کثرت شادی و سرور فریاد بر می آوردند و می گفتند دست مریزاد ای یزید». شرایط به گونه ای بود که:«علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الأمه براعٍ مثل یزید؛فاتحه اسلام را باید خواند آن گاه که امت به فرمانروایی چون یزید گرفتار آید».اگر قیام امام حسین نبود «نه از تاک، نشان بود و نه از تاک نشان». این نهضتِ الهی اسلام را نجات داد. امام حسین تصمیم گرفت از انحرافات فکری و دینی امت جلوگیری کند و معنای دین و خلافت و حکومت اسلامی و هدف رسالت رسول خدا را به جهانیان معرفی کند، اقبال لاهوری با اشعار زیبای خودش نقشِ قیام امام حسین (ع) را این گونه به تصویر می کشد:چون خلافت رشته از قرآن گسیخت حریت را زهر اندر کام ریخت خاست آن سرجلوه خیر الامم چون سحاب قبله باران در قدم بر زمین کربلا باریـد و رفت لاله در ویران ها کاریـد و رفت تا قیامت قطع استبداد کرد موج خون او چمن ایجاد کردبهر حق در خاک و خون گردیده است پس بنای «لا اله» گردیده است امام حسین (ع) چهره یزید و یزیدیان را به مردم شناساند و حساب آنان را از حساب دین و قرآن جدا کرد.امام راحل (ره) دراین رابطه می فرماید «یکی از رمزهای بزرگ که بالاترین رمز است قضیه سیدالشهداست. سیدالشهدا (ع) مذهب را بیمه کرد، با عمل خودش اسلام را بیمه کرد و نگه داشت... آن نهضت باید حفظ شود، اگر ما بخواهیم مملکت مان مستقل و آزاد باشد باید این رمز را حفظ کنیم». از دیدگاه شهید مطهری بزرگ ترین اثر حادثه کربلا این است که پرده نفاق را درید و حساب سلطنت عملاً از حساب

دین جدا شد، اگر نهضت عاشورا نبود، امویان به نام دین بر مردم حکومت می کردند، البته چسبیدن آنها به دین در نظر عده ای آنها را تبرئه می کرد و در نظر عده ای دین را ملوث می کرد.امام حسین (ع) در کربلا آمد تا برای ابد بر پیشانی باطل، اگر چه رنگ حق خورده باشد مهر بطلان بزند و خون خود و یارانش و اسارت اهل بیتش را مایه رسوایی آنان سازد و تصمیم گرفت راه را به حق جویان بنمایاند که مثلی لا یبایع مثله: حسینیان هرگز با یزیدیان بیعت نمی کند.عزاداری امام حسین (ع) یعنی تعقیب گام به گام رفتار آن حضرت در راستای احیای اسلام. عزاداری مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان دین از یک سو و پاسداری از ارزش های دینی از سوی دیگر است.آموزه های مجالس عزاداری امام حسین (ع) دو سویه است،شرکت کنندگان و شاگردان این مکتب می آموزند که حریم دین را باید پاس دارند و در برابر توطئه های بیگانگان و دیگر اندیشان به مقابله برخیزند تاعزت و سعادتشان که در دین متجلّی است حفظ گردد و یاد می گیرند که در دنیای غوغاسالارِ امروز تنها راه موفقیت آن است که به امام حسین اقتدا و روحیه حسینی پیدا کنند.چون «حسین بن علی یک سوژه بزرگ اجتماعی است. حسین بن علی در آن زمان یک سوژه بزرگ بود.هر کس می خواست در برابر ظلم قیام بکند شعارش یالثارت الحسین بود،امروز هم حسین بن علی یک سوژه بزرگ است،سوژه ای برای امر به معروف و نهی از منکر، برای اقامه نماز، برای زنده کردن اسلام، برای این که احساسات و عواطف اسلامی در وجود ما احیا بشود».خلاصه آن که اگر قیام عاشورا

نبود اسلام و امویت آن چنان به هم پیوند می خورد که تفکیک آنها ناممکن می شد و با زوال امویان اسلام نیز سقوط می کرد. عزاداری درس «دیانت عین سیاست» است. خوف دشمنان اسلام از مجالس سوگواری دقیقاً به این علت است، که این مراسم ضامن بقای اسلام است. عاشورا تداوم اسلام است و اسلام زنده عاشورا. عزداری دژ نگهبانی آموزه های وحی است در گستره زمان. عزاداری تجسم اعلای اندیشه حسینی و تفکر ناب اسلامی است و این گونه مراسم عزاداری باعث عزت مسلمانان و تجلی اقتدار ایمان است.

احیای تفکر دینی

پیکار حق و باطل، پیکاری است مستمر. در این میدان کسانی در صف حق پایدارند که بصیرت دینی دارند و بر طریق حق صابرند.رمز بریدن از حق و پیوستن به باطل نداشتن ِ تفکر اسلامی و بی صبری است.امام علی(ع) می فرماید:«الا و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر و العلم بمواضع الحق؛ بدانید که پرچم مبارزه با باطل و کفر را جز آنها که اهل بصیرت و صبر هستند و به جایگاه و موضع حق علم دارندنمی توانند بر دوش بکشند».بدخواهان نیز با اطلاع از نقش تفکر دینی همواره سعی کرده اند جامعه را از شعور دینی تهی کنند و این آفتی است که همیشه جامعه اسلامی را تهدید می کند و همانند بیماری سرطان پیکر اجتماع را فرا می گیرد، روحیه ذلت و خواری و انظلام در افراد پیدا می آید و آنان را از عکس العمل در برابر مظالم باز می دارد، سرانجام دشمنان اسلام خواسته های خود را بر آنان تحمیل می کنند و آنان نیز پذیرا می شوند.در صدر اسلام پس از دوران رسالت،تهاجم فرهنگی دشمن به هدف نابود کردن اندیشه دینی آغاز شد.به

تدریـج صـفات ممتـاز و برجسـته مسـلمانان عصـر پیامبر از بین رفت. «در آن جامعه کسـی هم که برای مردم معارف می گوید کعب الاحبـار است، یهودی تازه مسـلمانی که پیامبر را هم ندیـده است... او در مجلس عثمان نشسـته بود که جناب ابوذر وارد شد، چیزی گفت که ابوذر عصـبانی شد و گفت:تو حالا داری برای ما از اسـلام و احکام اسـلامی سخن می گویی؟این احکام را خودمـان از پیـامبر(ص) شـنیده ایم. وقتی معیارهـا از دست رفت، وقتی ارزش ها ضـعیف شـد... آن وقت در عالم فرهنگ و معارف هم چنین کسـی سر رشته دار امور معارف الهی و اسلامی می شود.کسی که تازه مسلمان است و هر چه خودش بفهمد می گویـد – نه آنچه که اسـلام گفته است». این رونـد تهـاجم فرهنگی ادامه پیـدا کرد. بر اثر تبلیغـات امویـان و تعطیـل اجرای برنامه های اسـلام،ممنوعیت ترویج ارزش های صحیح، انزوای شایستگان و دانش وران، شعورِ دینی مردم ضعیف، و اندیشه به انحطـاط گراییـد.قیام عاشورا همان گونه که فرسودگی پیکر امت اسـلام را از بی بصـیرتی به نمایش گـذاشت فرو پاشـی نظام آلوده به اسـلام ِ ابوسـفیانی را فریاد کرد. امام حسـین قیام کرد و به مردم عشق و ایدآل داد، رکن اصلی زنده شدن ملتی همین است، مردمی که احساس دینی دارند شخصـیت دارند. شخصـیت امام حسین(ع) حیات تازه ای در عالم اسلامی دمید و به آنها شخصـیت داد. شخصـیت دادن یک ملت به این است که به آنها عشق و ایـده آل داده شود و اگر عشق ها و ایدآل هایی دارند رویش را غبار گرفته است، آن گرد و غبار را زدود و دو مرتبه آن را زنده کرد».امام حسین(ع) در کربلا آمد تا

اعلام کنـد که اگر کعب الاحبار (یهودی تازه مسـلمان) و تمیم الداری(مسـیحی تازه مسـلمان) و امثال آنان در عرصه فرهنگی جامعه راه پیدا کنند و معارف اسـلامی از زبان شوم آنان تبلیغ شود تفکر اسلام ناب مسخ می شود و شعور دینی مردم زائل می گردد. امـام حسـین(ع) خواست عزت فرهنگی و شـعور دینی را احیـا و رسالت دینی مسـلمانان را برای همیشه تاریـخ یادآوری کنـد که:تیغ بهر عزت دین است و بس مقصـد او حفـظ آئین است و بس ما سوالله را مسـلمان بنـده نیست پیش فرعونی سـرش افکنده نیست خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کردتیغ لا چون از میان برون کشید از رگ ارباب باطل خون کشـیدنقش الا الله بر صحرا نوشت سطر عنوان نجات ما نوشت رمز قرآن از حسین آموختیم زاتش او شعله ها اندوختیم شوکت شام و فرّ بغداد رفت سطوت غرنا طه از یاد رفت تار ما از زخمه اش لرزان هنوز تازه از تکبیر اوایمان هنوزای صبا ای پیک دور افتادگان اشک ما بر خاک پاک او رسان پیروان امام حسـین در مکتب عاشورا و در مجالس عزاداری، با حقیقت دین آشنا می شونـد، تفکر دینی شـان بـاز سـازی می گردد و بـا اشـک دیـدگانشان حـدیث «حسـین منّی و أنـا مـن حسـین» را تفسـیر می کنند.عزاداری تجلی بیعت عاشقانه با تفکر حسینی است؛سوگواری و توسل مکتب عالی سازندگی اندیشه دینی است.بازگویی تاریـخ عاشورا، ایمان را اسـتحکام،اخلاق را نیک و همت را بالا می برد. اگر برای ترغیب مردم به فضایل انسانی و زنده کردن تفکر دینی مؤثّرترین راه،ارائه الگوهای عملی است، چه کسـی سـزاوارتر از امام حسـین (ع) و یاران حضرت؟موریس دوکبری در پاسخ به مخالفان عزاداری می گوید:اگر

آنان حقیقت عاشورا رامی دانستند این عزاداری ها را مجنونانه نمی پنداشتند، زیرا پیروان حسین در این مراسم یاد می گیرند که پستی و زیر دستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کرد، زیرا شعار رهبرشان ندادن تن به زیر بار ظلم و ستم بود... ملتی که از گهواره تا گور تعلیماتش چنین است، همه سربازان حقیقی عزت و شرافتند. امروز اگر استقلالی در مسلمانان مشاهده می شود عامل اصلی آن پیروی از دستورات قرآن و اسلام است و خواهیم دید روزی را که مسلمانان عالم در سایه اتحاد واقعی مانند صدر اسلام شرق و غرب و عالم را مطیع اوامرخود سازند. عزاداری عزت دینی است،چرا که:درس آزادی به دنیا داد رفتار حسین بذر همت در جهان افشاند افکار حسین با قیام خویش بر اهل جهان معلوم کرد تابع اهل ستم گشتن بود عار حسین زندگی پیکار باشد در ره اندیشه ها باشد این گفتار شیرین و گهربار حسین

تولا و تبرا

دو گروه در کربلا- در برابر هم ایستادند، یکی در اوج عداوت و دیگری در بلندای محبت نسبت به دین. عاشورا نتیجه این رویارویی است.عاشورا نمایش تولا و تبرا است.در یک طرف حسین و حسینیانند که در رفتار و کردارشان دیانت و حق پرستی موج می زند به گونه ای که انسان به آن افتخار می کند، در طرف دیگر یزید و یزیدیانند که تجسم جنایت و خباثت هستند، بشر از عملکرد آنان سرافکنده است.امام حسین (ع) در کربلا حدیث شریف «هل الدین الا الحب ّو البغض» را با خون تفسیر کرد و شیوه محبّت و عداوت را به جهانیان شناساند. از آن گاه که امام حرکت را آغاز کرد تا روز عاشورا حتی در لحظه های شهادت

بر این اصل تأکید کرد که «مثلی لا- یبایع مثله»؛ «حسینیان با یزیدیان بیعت نمی کنند». امر به معروف و نهی از منکر که از اهداف اصلی قیام امام حسین (ع) است بیانگر اهتمام ایشان در امر ولایت و برائت است.در روایات متعددی از پیشوایان دین نقل شده که دین چیزی جز محبت نیست.در جامعه ای که دین حاکمیت ندارد،طبیعی است از محبت دینی نیز اثری نخواهدبود.عزاداری ترویج محبت است و گریه در مجالس عزاداری اکسیری است که دل ها را حسینی می کند،عشق سازی می کند،و این عشق است که دل را دل می سازد. بر پایی مجالس عزاداری نماد «تولّی و تبری» است بی تفاوت ماندن مؤمن در برابر موافقان و مخالفان ِعقیدتی عیب و گناه است.شیعه عاشق است، مذهب او بر مبنای محبت و عشق استوار است. بذر این کیمیای زندگانی در عصر رسالت کاشته شد.کارآیی ایمان در مرحله عمل و تحرک هنگامی است که با محبت و عشق و پیوند عاطفی همراه باشد. و در تفکردینی ما محبت واقعی و عشق و علاقه به اهل بیت (ع) است که اوج آن در عاشورا تجلی می یابد.ابن عساکر از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند:روزی در محضر پیامبر (ص) بودیم،علی (ع) وارد شد،حضرت فرمود «و الّذی نفسی بیده أن هذا و شیعته هم الفائزون؛سوگند به کسی که جانم در دست اوست این مرد (علی (ع)) و شیعیانش در روز قیامت ازرستگارانند».امام صادق (ع) فرمود «أن شیعتنا منّا خلقوا من فاضل طینتنا... یفرحون لفرحنا ویحزنون لحزننا؛ شیعیان از هستند از طینت ما آفریده شده اند، در شادی ما مسرور و درگرفتاری ما محزون و گرفتارند».در قرآن کریم محبت ِاهل بیت اجر رسالت است (قل

لاـ اسـئلکم علیه اجراً الاـ الموده فی القربی)؛ بگو ای پیـامبر، مـن از شـما اجر و مزدی درخـواست نمی کنـم،مگر دوسـتی خویشاونـدانم، بر اسـاس نقـل شـیعه و سـنّی در روایـات زیادی پیامبر گرامی اسـلام نشان می دهـد منظور از «قربی» اهل بیت و نزدیکان و خاصان حضرت هستند. آن گاه که آیه مودت نازل گشت اصحاب عرض کردند یا رسول الله(ص) خویشاوندان تو که محبت آنان بر ما واجب است کیاننـد؟ فرمود:علی و فاطمه و فرزنـدانشان، (این سـخن را سه بار تکرار کرد). این حدیث را حـدود پنجاه کتاب از اهل سنّت نقل کرده انـد.برپایی مراسم عزاداری مفاد حدیث «هل الدّین الا الحب و البغض»است.به بیان دیگر حب و بغض دینی وجود چنین مجالسـی را ایجـاب می کنـد تـا شـرکت کننـدگان عملاـ تولاـ و تبرا را به جهانیـان نشـان دهند.عزاداری از یک طرف ابراز محبت است به پاک ترین اهداف انسانی و الهی و عرض ارادت به پیشگاه سالار شهیدان، از طرف دیگر اظهارِ انزجار و تنفر از همه پلیـدی ها و زشتی ها و اعلام برائت از یزیـد و یزیدیان در همه زمان ها و مکان ها. این محبت و برائت اگر اساسی باشـد فقـط در علاـقه خلاـصه نمی شود، بلکه آثار آن در عمل خود را نشان می دهـد محب را با محبوب پیوند می دهد،به گونه ای که در مسیرخواسـته و اهداف اوگام برمی دارد و این گونه اعلام حضور می کند:«أنی سـلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عـدوّ لمن عاداکم فاسـئل الله الّذی اکرمنی بمعرفتکم و معرفه اولیائِکم و رزقنی البرائه أن یجعلنی معکم فی الـدنیا و الا ´خره و ان یثبت لی عنـدکم قـدم صدق ٍفی الدنیا و الا ´خره؛ [ای عاشورائیان] من

با دوستان شما در صلح و با دشمنان شما در جنگ و ستیزم، دوستان شما را دوست دارم و دشمنان شما رادشمن می دانم و از کرم حق درخواست می کنم که با معرفت شما و دوستان شما مرا گرامی سازد و به من لطف نماید و همیشه بیزاری از دشمنان شما را روزی من کند و مرا در دنیا و آخرت با شما همنشین قرار دهد و در دو عالم به مقام صدق و صفای شما مرا ثابت قدم نگه دارد».این دعا و زیارت چه می خواهد برای ما بیان کند،یک توجه باطنی به آن ما را به نقش عزاداری رهنمون می سازد. عزاداری یعنی کمال جویی،عزادار عاشق حسین است چون کمال انسانی را در وجود او می یابد و راه رسیدن به کمال نهایی (قرب الی الله) را در کربلا می بیند.گریه در مجالس عزاداری گاه از سر شوق است. بسیاری از قضایای کربلا به سبب روح ِ حماسی داشتن ِ آن شوق آفرین است و شورانگیز. داستان شب عاشورا را به یاد آورید،آن گاه که امام بیعت را از یارانش برمی دارد، می فرماید: ای یاران من از تاریکی شب استفاده کنید بروید، زیرا اینان به جز من به کسی کار ندارند... سکوت عجیبی بر مجلس حاکم بود یاران با وفا، یکی پس از دیگری و به نوبت با تعبیرات زیبایی اعلام حضورکردند:«و لَم نفعل ذلک؟ لنبقی بعد ذلک،لا ارانا الله ذلک ابداً؛ برای چه تو را بگذاریم وبرویم، آیا برای این که بعد از تو زنده بمانیم، خدا هرگز چنین روزی را نیاورد»، این سخن عزت آفرین را نخست حضرت عباس (ع) گفت، دیگران نیز او را متابعت کردند.مسلم بن عوسجه می گوید: ای پسر

پیغمبر خداونـد زنـدگی بعـد از تو را نصـیب من نگردانـد، می جنگم تا نیزه و شمشـیرم را در سـینه دشـمنانت فرود آورم، اگر وسـیله ای نداشـته باشم با سـنگ مبارزه می کنم و از تو دور نمی شوم تا با تو بمیرم. سعید بن عبدالله عرض می کند. ای فرزند پیامبر، اگر بدانم در راه تو کشـته می شوم و سـپس زنده می گردم و زنده زنده می سوزم و بدانم که هفتاد بار با من چنین می شود از تو جـدا نمی شوم تـا قبـل از تو مرگ خویش راببینم.پس از آن زهیر بن قین برخـاست و گفت:ای پسـر پیامبر، دوسـت دارم هزار بار کشته و باز زنده شوم و خداوند تو را و اهل بیت تو را زنده بدارد. هر یک از یاران و اصحاب امام حسین (ع) در آن شب عشق و عزت با بهترین تعبیرات ممکن اعلام وفاداری کردنـد.چرا چنین نباشـد، کسانی که می داننـد مرگ یک مرتبه بیش نیست، اما فداکاری و جانبازی در راه امام حسین عزت و سعادت جاودانی را در پی دارد. عزاداری یادآوری چنین صحنه هـای عزت آفرین و شورانگیزی است که تـأثیر آن را در وجـدان هـای پـاک فقـط در قطره های اشک می توان دیـد و تفسـیر کرد.گریه و عزاداری گـاه جنبه عـاطفی دارد.انسـان با عاطفه زنـده است، آنچه در درون قفسه سـینه او قرار دارد، قلب است نه سنـگ. اگر قلبی با شـنیدن مناظر تکان دهنـده کربلا به درد آیـد،احساسـش جریحه دار گردد و شـراره های آتشـین خود را به صورت قطره هـای اشـک به خـارج پرتـاب کنـد این نشـانه قوت و سـلامت دل است، نه علامت ضـعف. درمجالس عزاداری، صحرای رنگین کربلا، بدن های قطعه قطعه شده شهیدان، سرهای عزیزان پیامبر خدا

بر نیزه ها و خیمه های سوخته، گوش های پاره،بـدن های تازیانه خورده،خرابه شام، تازیانه و لب های مبارک امام حسـین (ع) هلهله و شادمانی مردم کوفه و شام،جسارت به خاندان عصمت و طهارت، موهای سفید شده و قد خمیده زینب، و مصایب امام سجـاد (ع)... بـاز سـازی و یادآوری می گردد.امکان نـدارد انسانی از شـنیدن این مصائب به شور و هیجان نیایـد و بر یزیـدیان نفرین نکنـد عملکرد آنـان را مورد اعتراض قرار ندهـد. به این ترتیب، گریه بر امـام حسـین (ع) و یـارانش در نهایت تبـدیل به گریه و اعـتراض و پرخـاش می گردد.گریه ای که تجسم اهـداف کربلاـ بر گونه هـاست تـأثیر این گریه هـا به مراتب بیشتر از حرف و سـاز وکارهـای امروزی اسـت. ایـن اشـک هـا اسـاس دشـمنان را می لرزانـد.گریه حضـرت فـاطمه زهرا (س) در بیت الاحزان پیام داشت برای آیندگان، برای همین بدخواهان سـعی می کردند او را از این عمل باز دارند. امام راحل (ره) با درک تأثیراین گریه ها توصـیه می کننـد «در سرتاسـر کشور مجلس روضه باشد، همه روضه بخوانند وهمه گریه کنند».پیروان مکتب عاشورا می توانند از طریق شـعار دادن، سـرود خواندن، برگزاری همایش ها و... پیوندشان را با اهداف عاشورا ابراز نمایند، اما عزاداری و سوگواری صادقانه تر می توانـد بیانگر این پیونـد باشد، چرا که به قول معروف شـنیدن کی بود مانندديدن. مجالس عزاداری بازسازی مصائب کربلا و تجسم افتخارات عاشورائیان است.فرض کنیم که همه مردم می دانند در کربلا چه گذشت، این دانسـتن تأثیر دارد، اما اگرصحنه های عاشورا بازسازی شود، شهر سیاه پوش گردد، دسته های عزاداری راه بیفتد، به مراتب تأثیر بیشتری دارد.این اقدامات اعلام وفاداری به اهداف والای امام حسـین است.حال می دانیم چرا امام حسـین از حلقوم بریده فریاد کرد «او سمعتم بغریبٍ او شهیدٍ

فاندبونی؛ اگر خبر غریب یا شهیدی را شنیدید بر من گریه کنید» چون گریه برشهید هماهنگی با روح او، شرکت در حماسه، و حرکت در موج اوست. عزاداری بازسازی صحرای خاطره آلود کربلاست.یادآوری آن در اعماق قلب خونسردترین افراد جوش و خروش برمی انگیزد، حزن و اندوه و هیجان شدید پدید می آورد و روح را در معارج کمال چنان پرواز می دهد که همه دنیا در برابر آن ناچیز جلوه می کند. ادوارد برون خاورشناس انگلیسی می گوید «کیست که عزاداری شیعیان را ببیند، ولو این که پیرو مذهب دیگری باشد و حقیقت آن مراسم را که از مظاهر عالیه احساسات مذهبی آنان است و اهمیتی راکه این سوگواری نزد شیعیان دارد تا حدی در ضمیر خود احساس نکند؟»آری، عزاداری رمز محبت است، هیچ قدرتی نمی تواند این محبت خالص و ارادات بی شائبه را که شیعیان به ساحت پیشوای امام شهیدان تاریخ ابراز می دارند از دل آنان بیرون کند. این محبت ما را زنده می دارد و امید می دهد، زیرا این نماد (الگو) راه را به محبانش نشان می دهد و وجود آنان را از آرمان های والا سرشار می سازد. عزاداری عرض تسلیت به محضر پیامبر گرامی اسلام است چون به گفته سید رضی (ره) «لو رسول الله یحیی بعده قعد الیوم علیه للعزا» اگر پیامبر خدا پس از روز عاشورا زنده بود همواره دراین روز به عنوان صاحب عزا می نشست تا همه بیایند و به او تسلیت بگویند.

گسترش آگاهی و اندیشه ناب

نقش عزاداری در بالا بردن سطح فکری مسلمانان در ابعاد گوناگون فرهنگی و اجتماعی سیاسی و اخلاقی بر کسی پوشیده نیست. به جرأت می توان گفت مجالس عزاداری یک دانشگاه است. اگر اموال و پول های هنگفت را مخصوص

ترویـج تعلیمات اخلاقی و اجتماعی قرار دهند و مکتب هایی در طول سال فعال باشد به اندازه عزاداری ازثبات برخوردار نبوده و مورد حسن استقبال قرار نمی گیرد. امام حسین با سرمایه اخلاص وایثار معنویت، مدرسه ای بنیان گذاشت که حدود چهارده قرن فعال بوده و رو به گسترش است و در جهان اسـلام به ویژه در جامعه شـیعی توسعه روزافزون این مراسم در خور توجه می باشد و این توسعه فکری و رشد دینی مسلمانان در عمل موجب گسترش اسلام است.در این زمینه، بهتر است نقش عزاداری را در توسعه اسلام ناب از زبان دیگران بشنویم. ناپلئون می گوید:ما اگر یک امر اجتماعی یا سیاسی داشته باشیم. باید ده ها هزار کـارت چـاپ کرده و بـا زحمـات زیادی آنها را به دیگران می رسانیم تازه از آن تعـداد، حـدودهزار نفرشان حاضـر می شوند لیکن این مسـلمانان و شـیعیان با نصب یک پرچم سـیاه برسر در خانه ای اعلام می کنند خواهیم برای حسین عزیزمان عزاداری کنیم، ده ها هزار نفرشان در ظرف دو ساعت در مجلس جمع می شونـد و تمام مسایل سیاسـی و اجتماعی و مذهبی خود را در آن مجلس حـل و فصـل می کننـد؛ این یکی از آثار قیام امام حسـین (ع) است.مسـیو ماربین فیلسوف و خاورشـناس آلمانی در کتاب سـیاست اسـلامی می نویسد«بی اطلاعی بعضی از تاریخ نویسان ما موجب شده که عزاداری شیعه را به جنون و دیوانگی نسـبت دهند ولی اینان گزافه گفته و به شـیعه تهمت زده اند. ما در میان اقوام و ملت ها مردمی مانند شیعه پرشور و زنده ندیده ایم، زیرا شـیعیان به واسطه برپا کردن عزاداری حسین سیاست های عاقلانه ای را انجام داده و نهضت های مذهبی ثمربخشی را به وجود می آورند. کسی که

سیر تکاملی شیعه را بررسی کند و زندگی آنانی را که عزای حسین را به پا می کنند در مدت صد سال آخر مورد مطالعه قراردهد می فهمد که شیعه به آخرین مرحله تکامل خود رسیده است. صد سال پیش شیعیان و پیروان علی و حسین در هند انگشت شمار و کم بودند، ولی امروز شیعیان هند در مرتبه سوم از نظر مذهبی قرار گرفته اند و هم چنین است در سائر نقاط جهان.بر تاریخ نویسان ما لازم است که درباره شیعه تحقیق بیشتری کنند و کار آنان را به دیوانگی و جنون نسبت ندهند. من معتقدم که رمز بقا و پیشرفت اسلام و تکامل مسلمانان به خاطر شهادت حسین بن علی و آن رویدادهای غم انگیز می باشد و یقین دارم که سیاست عاقلانه مسلمانان و اجرای برنامه زندگی ساز آنان به واسطه عزاداری حسین بوده است. مادامی که این روش و خصلت در میان مسلمانان وجود دارد هرگز آنان تن به خواری نمی دهند و تحت اسارت کسی نمی روند... من خودم چند بار در استامبول درمجالس عزادرای حسین شرکت کردم و به واسطه مترجم شنیدم که می گویند: حسینی که بر ما طاعتش واجب است، هرگز زیر بار ظلم و ستم نرفت و با یزید جنایتکار سازش نکرد.از خود، خاندان و اموالش گذشت تا شرافت و بلندی حسب و مقام خود را حفظ کند وبه این واسطه بود که به نام نیکی رسید و شهرت بسزایی در دنیا پیدا کرد، به مقام قرب الهی رسید. و حایز مقام شفاعت در قیامت گشت، ولی دشمنان او در دنیا و آخرت به بدبختی وزیانکاری دچار شدند.من از آن پس فهمیدم که شیعیان در حقیقت از این راه به

همدیگر درس جوانمردی و شجاعت می آموزند و به همدیگر می گویند: اگر شما شیعه هستید و اصحاب شرف می باشید و خواهان سیادت و بزرگی هستید، پس به زیر بار یزید و یزیدیان نروید،ذلت و خواری قبول نکنید، بلکه مرگ با عزت را بر زندگی ذلت بار برگزینید. تا در دنیا وآخرت رستگار باشید. پر روشن است امتی که از گهواره تا گور چنین تعالیم عالیه رامی آموزد به چه درجه ای از افکار نغز و سجایای عالی خواهند رسید، آری چنین ملتی سزاوار است که به عالی ترین درجه سعادت و شرافت برسند و آنان هستند که از حریم شرافت و حماسه های خود به خوبی پاسداری می کنند و از این راه به تمدن عالی روز می رسند و این مکتب است که حقوق انسانی را آموزش داده و اصول سیاست را یادمی دهد.گاندی رهبر فقید هند می گوید «من برای مردم هند چیزی تازه ای نیاورده ام فقط نتیجه ای راکه از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگانی قهرمان کربلا به دست آورده بودم ارمغان ملت هند کردم، ما اگر بخواهیم هند را نجات بدهیم، باید همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی پیمود».ژوزف، خاورشناس فرانسوی در کتابش به نام «اسلام و مسلمانان» تحت عنوان «شیعه و پیشرفت های خیره کننده آن» می نویسد: «آماری که اخیراً - در زمان حیات مؤلف - دولت فرانسه ارائه داد، نشان می دهد یک ششم مسلمانان جهان را شیعیان تشکیل می دهند... می توان گفت پس از یک یا دو قرن دیگر بر سایر فرقه های اسلامی پیشی خواهد گرفت. بزرگترین علتی که در این پیشرفت مؤثر است به پاکردن عزاداری حسین است که دیگران را به سوی مذهب شیعه دعوت می کند. امروز همه شیعیان عزای

حسین را به پامی کنند...اگر می بینیم در هند شیعیان بسیاری وجود دارد، بر اثر اقامه ماتم و عزاداری است.آری شیعه مذهب خود را به واسطه زور شمشیر به پیش نبرده است... بلکه شیعه به وسیله نیروی سخن و تبلیغ که اثرش از شمشیر بالاتر است به این درجه و مقام رسیده است. شیعیان در اثر اهمیت دادن به انجام مراسم مذهبی به جایی رسیده اند که دو سوم مسلمانان از روش آنان پیروی کرده، بلکه شریک آنها شده اند. به زودی شیعه از نظر عدد و عظمت بر فرقه های دیگر اسلامی برتری پیدا خواهد کرد. این مراسم باعث شده که شیعیان به درخواست های زمان و تمدن آشنا گردند. زندگی مسالمت آمیز آنان سبب شده که دیگران با شرکت در محافل شان با آموزه های شیعه آشنا گردند و در نهایت به مذهب آنان بگروند. سیاستمداران غربی از روش شیعیان در ترویج و تبلیغ دین پیروی کرده و برای پیشرفت آئین کلیسا مخارج زیادی را به مصرف می رسانند».یکی دیگر از مورخان غربی در زمینه تأثیر نقش قیام عاشورا و عزاداری در مقدرات جهان اسلام چنین می نویسد: «فاجعه کربلا نه تنها مقدرات خلافت، بلکه مقدرات ممالک پادشاهی اسلامی را مدتی بعد از انقراض خلافت تعیین کرد. کیست که آن عزاداری پرشور و پرهیجان را ببیند و بداند که هر سال مسلمانان جهان چگونه از شام تا بام سینه می کوبند و با آهنگ موزون و محزون خود بی آن که خسته شوند دیوانه وار فریاد می زنند: حسین، حسین، حسین! و حربه کشنده و شمشیر برنده و دودمی را که امویان به دشمنان خود داده اند تشخیص ندهد؟»آری، امام حسین در کربلا آمد تا راه را برای قیام های

بعد از خودش نشان دهد.او قیام کرد تا اصل «کل یوم عاشورا و کل ارض ٍ کربلا» را در آفاق ارزش های انسانی با خون حک کند. زینب و اهل بیت به اسارت رفتند تا آن را تفسیر و جاودانه سازند.

نتیجه

قیام عاشورا یک قیام اسوه و عزاداری تجلی آن در همه زمان ها و مکان هاست.عزاداری اقتدا به پیشوایان دین، تجدید بیعت با امام حسین و برائت از یزید و یزیدیان،عامل افزایش ایمان و معنویت، در نهایت باعث نجات و پیشرفت اسلام و توسعه فکری مسلمانان است. عزاداری مصاف پایداران در ایمان است با مذبذبین که همواره سرگردانند. عزاداری در ایام محرّم ظهور دوباره امام حسین (ع) با آن فریاد شورانگیز و امیدبخش حضرت است. عزاداری نسخه شفابخشی است در دست عاشورائیان،وسیله ای است بین امت و امام قطره های زلال ِ اشک ِ دیدگان عزادار فرشته نجات است.عزاداران سربازان حقیقی عزت و شرافتند. کسانی که در این عرصه ایجاد شبهه می کنند یا از فلسفه واقعی عزاداری و نقش آن در بازسازی صحنه های عاشورا بی اطلاع اند یا مغرضانه در صدد حریم شکنی هستند، ارزش ها و مقدسات مردم را زیر سؤال می برند تا به اهداف شوم خودشان برسند. در هر حال، برخواص امت است که در راه تبلیغ فلسفه قیام حسینی و عزاداری آن همت کنند.اللّهم ارزقنا شفاعه الحسین یوم الورود و ثبت لنا قدم صدق ٍ عندک مع الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین (ع).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹